

**نقد**  
**اقتصاد سیاسی**

**کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه در ترکیه و سیاست چپ**

**ازگر موتلو اولوس**



**ترجمه‌ی مهرداد امامی**

**نقد اقتصاد سیاسی**

**مرداد ۱۳۹۶**

از شب کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ تقریباً یک سال می‌گذرد. رابطه‌ی بین سازمان اطلاعات و امنیت ملی ترکیه (MIT)، ارتش و سیاست مدنی/غیرنظامی در زمینه‌ی کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه هنوز مشخص نیست. رهبر حزب جمهوری خلق (CHP)، کمال قلیچ‌دار اوغلو، با اظهار به «کودتای کنترل‌شده» ادعای جدیدی مطرح کرده است. به جز حزب جمهوری خلق، حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) که در مجلس صاحب کرسی است در کنار احزاب، سازمان‌ها و جنبش‌های قانونی چپ-سوسیالیست-کمونیست مباحث و استدلال‌های خود درباره‌ی فرآیند کودتا را هم‌چنان ادامه می‌دهند. در این مقاله سعی دارم رویکرد احزاب چپ-سوسیالیست را نسبت به کودتا، گفتمان‌های آن‌ها پس از کودتا و سیاست‌های کنونی‌شان را جمع‌بندی و روایت کنم.<sup>۱</sup>

## دو طرز برخورد؟

در ابتدا گفتنی است که تمام احزاب و جنبش‌های چپ هم در برابر کودتا و هم در مقابل وضعیت فوق‌العاده (OHAL) به صورت یک‌پارچه اعتراض کرده‌اند. در واقع پس از آن‌که اقدام به کودتا در نطفه خفه شد از منظر تحولات سیاسی از یک انشعاب مهم سخن به میان آمد. به نظر می‌رسید که برای بازگشت به سیاست عادی «دو راه» یا طرز برخورد قابل پی‌گیری است. راه نخست این بود که برای نجات کشور از بحرانی که گریبان‌گیر آن شده باید با نیروهای دموکراتیک همکاری کرد تا بتوان با دموکراسی بیش‌تر این بحران را پشت سر گذاشت. گزینه‌ی دوم، اخته کردن بیش‌تر دموکراسی و حرکت به سمت یک حکومت مرکزی اقتدارگراتر، فرقه‌گراتر، بسته‌تر و امنیتی‌تر بود. احزاب چپ که فکر می‌کردند پس از کودتا وضعیت «جشن‌گونه» ای که مردم خود را در آن یافتند و حضور اجزای مختلف مردم برای مقابله با کودتا در یک جا می‌تواند دموکراسی را به‌عنوان یک گزینه مطرح کند، عموماً از خطر اقتدارگرا شدن تدریجی سیستم سخن می‌گفتند. سال گذشته پس از کودتا چندین حزب و جنبش چپ علاوه بر مخالفت با کودتای نظامی دغدغه‌ی این را داشتند که خلاص شدن از دست کودتا کشور را نه در مسیر دموکراسی بلکه به سمت یک رژیم اقتدارگراتر هدایت خواهد کرد. حتی پس از اعلام وضعیت فوق‌العاده بخش عظیمی از احزاب و جنبش‌های چپ حول گفتار «نه کودتای نظامی و نه خودکامگی غیرنظامی» متحد شدند.<sup>۲</sup> رئیس حزب آزادی و همبستگی (ÖDP)، آلپر تاش، پس از اعلام وضعیت فوق‌العاده به‌عنوان نتیجه‌ی ملاقات با رئیس حزب جمهوری خلق، کمال قلیچ‌دار اوغلو، اذعان کرد که قلیچ‌دار اوغلو را متقاعد کرده تا گفتار مذکور را به کار بگیرد.<sup>۳</sup> در حقیقت نیز، قلیچ‌دار اوغلو در گردهمایی ینی‌کاپی

(Yenikapı) گفتار «نه کودتای نظامی و نه خودکامگی غیرنظامی» را به کار برد. جنبش‌ها و احزاب رادیکال چپ (سوسیالیست-کمونیست) که در مجلس صاحب کرسی نیستند، کمک‌های مردم به رئیس‌جمهور اردوغان برای دفع کردن کودتا را به‌عنوان موضوعی خاطر نشان کردند که در راستای منافع اردوغان یعنی برای تأسیس رژیم ریاستی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

شاید مهم‌ترین نقش احزاب قانونی سوسیالیست-کمونیست پس از کودتا آگاهی بخشیدن به مردم و آگاه کردن آن‌ها از خطر جنبش‌ها و مواضعی بود که دموکراسی را تهدید می‌کردند. در واقع احزاب سوسیالیست به یک معنا شبیه شخصیت اسطوره‌ای کاساندرای بخت‌برگشته هستند و نقش آن را بر عهده دارند، یعنی کسی که آینده را می‌بیند اما توانی برای جلوگیری از آن ندارد. بلافاصله پس از اعلام وضعیت فوق‌العاده، احزاب چپ توجهات را معطوف به تداوم طولانی‌مدت استفاده از وضع فوق‌العاده، به وجود آمدن مشکلات جدی در محاکمه‌ی عادلانه، به‌ویژه تبدیل دستگیری‌ها و محاکمات مخالفان به «بگیر و ببند» کرده‌اند. سازمان‌های شغلی، سندیکاها، انجمن‌ها، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و بعضی از احزاب چپ در برابر کودتا و وضعیت فوق‌العاده یک فراخوان مشترک برای «دموکراسی فوری» دادند.<sup>۴</sup> در این فراخوان، مطالبه‌ی «دموکراسی فوری» برای پایان یافتن رویه‌های غیردموکراتیک برای نابودی فضای کودتا و الغای وضعیت فوق‌العاده جای گرفت. در این اعلامیه، به این موضوع اشاره شد که به واسطه‌ی فرمان اجرایی (KHK) تمام صلاحیت‌ها به رئیس‌جمهور واگذار شده است. علاوه بر این، به مواردی از نقض حقوق بشر در جریان کودتا و پس از آن اشاره شد. از دیگر ابتکارات مهم چپ این بود که به خطر تبدیل جشن‌های دموکراسی به یک هیستری توده‌ای فاشیستی و بی‌اهمیت دانستن موارد نقض حقوق بشر اشاره کرد و نسبت به موضوع دموکراسی اخطار داد. با این حال، چپ که نتوانست به اندازه‌ی کافی از حمایت اجتماعی برخوردار شود و ناتوان از متقاعد کردن حکومت ماند موفق نشد تا به معنای واقعی کلمه از «دموکراسی فوری» محافظت کند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که تأکیدهایی که در طول دوره‌ی همه‌پرسی بر موضوع دموکراسی شد در جهت افزایش آرای کارزار «نه» به نظام ریاستی از منظر ایجاد آگاهی مثمرتر بوده است.

## بحث فعالیت چپ در فرآیند کودتا

احزاب و جنبش‌های چپ به رغم این که با کودتا مخالفت کردند و برای دموکراسی فراخوان دادند در مقاومت شب کودتا به قدر کافی فعال نبودند. این موضوع هم از جانب احزاب چپ مورد خودانتقادی قرار گرفته و هم از جانب برخی از مفسران (بعضی از آن‌ها به صورت غیرجدی).<sup>۵</sup> به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عامل در رابطه با غیاب چپ در مقاومت شب کودتا به صورت توده‌ای عدم وجود انتظار وقوع کودتا در ترکیه بود.<sup>۶</sup> در واقع، تحولات مبهم و غافلگیرکننده‌ی شب پانزدهم ژوئیه نقش مهمی در نپیوستن جمعی احزاب چپ به مقاومت ایفا کرده است. آلپر تاش برای مثال اشاره می‌کند که در طول آن شب بسیج ارگان‌های اجرایی حزب و تصمیم‌گیری فوری کاری بی‌نهایت دشوار بود. تاش با یادآوری این که در شب کودتا از منظر سازمانی «ریختن در خیابان» آن‌قدرها هم مسأله‌ی ساده‌ای نبود و در نتیجه اعضا را نمی‌شد به راحتی به مقابله با نیروهای مسلح دعوت کرد توضیح می‌دهد که به خاطر عدم پیش‌بینی کودتا درباره‌ی این موضوع نیز پیش‌تر هیچ تصمیمی گرفته نشده بود.<sup>۷</sup> در چنین وضعی افرادی وجود داشتند که به صورت مستقل به مقاومت پیوسته‌اند. به جز این موارد، فعالان حزبی گفته‌اند که آن‌ها نیز مانند هر فرد دیگر با پی‌گیری وقایع سعی در فهم شرایط کرده‌اند. با این حال، در مورد مردم بودن نسبت به عدم پیوستن احزاب چپ به مقاومت شب کودتا این تفکر که زندگی خود و اعضایشان را به خاطر عدم اعتماد به حکومتی که رأس آن اردوغان است و در مورد دموکراتیک بودن آن شبهه وجود دارد نباید به خطر بیاندازند، تفکری تأثیرگذار می‌نماید.<sup>۸</sup> عدم مشارکت کل نیروهای مسلح در کودتا، تلاش نیروهای امنیتی برای مهار کودتا و مقاومت خیابانی یک نیروی کاملاً سازمان‌دهی شده از طریق تشکیلات شهری و استانی در برابر کودتا باعث شد تا تفکر در خطر قرار گرفتن احزاب چپ مطرح شود و در نتیجه آن‌ها نیروهای خود را برای محافظت از محلات علوی نشین بسیج کنند.<sup>۹</sup> علاوه بر این، تاش عنوان می‌کند که به خاطر آن که بخش راست-محافظه‌کار (جماعت حزب عدالت و توسعه «AKP» و حزب حرکت ملی «MHP») در شب کودتا و پس از آن به شکل انبوه‌تری در خیابان حضور داشتند و احتمال درگیری آن‌ها با نیروهای چپ وجود داشت، از نظر حزب آزادی و همبستگی، حضور در خیابان، در یک مکان و یک زمان فکر مناسبی نبود. با دقت و تدبیر در قبال این موضوعات برخورد شده است. می‌توان گفت که در مقاومت علیه کودتا سنت مبارزه‌ی خیابانی بخشی از مردم با استفاده از آگاهی ایجادشده به دست جنبش‌های چپ در برابر کودتا و برای دفاع از حقوق و آزادی‌ها به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار بوده است.<sup>۱۰</sup> احزاب چپ به سازمان‌یافته بودن سریع تشکیلات حزب عدالت و توسعه در برابر احتمال کودتا به شدت توجه داشتند و

قدردانی خود را نسبت به این موضوع بیان کردند.<sup>۱۱</sup> اجازه دهید خاطر نشان کنم که از آنجایی که حزب عدالت و توسعه و شخص رئیس جمهور، جماعت فتح‌الله گولن را از نزدیک می‌شناختند عقیده‌ای به وجود آمد که آن‌ها انتظار یک کودتا را داشتند و به همین سبب از پیش در آماده‌باش بودند. احزاب چپ معتقدند که بسیج نیروهای امنیتی دولت، تشکیلات شهرداری‌ها، سازمان‌های حزبی، سازمان‌های وزارت دیانت، ارگان‌های رسانه‌ای و نیروهای مدنی/غیرنظامی در برابر کودتا نقش مهمی در مهار آن ایفا کردند. از نظر احزاب چپ، اینکه مردم در جریان مقاومت علیه کودتا می‌دانستند که نیروهای امنیتی، بخشی از ارتش، دولت و در نتیجه حکومت پشت آن‌هاست نقش مهمی در مقاومت آن‌ها ایفا کرده، به علاوه همین موضوع باعث تفاوت این کودتا با کودتای ۱۹۸۰ و سایر کودتاهاست و بنابراین درست نیست که از منظر موضع‌گیری مردم دست به یک مقایسه بزنیم.

پس از کودتا بعضی از احزاب و نویسندگان چپ بر اهمیت ارتباط‌گیری با بخشی از محافظه‌کارانی اشاره کردند که از مطالبه‌ی آزادی و دموکراسی دست‌بردار نیستند و البته پایگاه حزب عدالت و توسعه و حرکت ملی آن‌ها را به خیابان‌ها کشانده بود. برای مثال، سونر دینچ‌سوی در مقاله‌ی «جنبش توده‌ای کودتا و چپ: چه باید کرد؟» به شرح ذیل به این موضوع می‌پردازد: «لازم است که کادر رهبری حزب عدالت و توسعه را به لحاظ سیاسی شکست دهیم، در مورد پایگاهش همین کار را باید از طریق ارتباط برقرار کردن، صحبت و جرّوبحث کردن انجام داد. راه دیگری برای شکست عدالت و توسعه وجود ندارد، اگر واقعاً قصد شکست دادنشان را داریم ضروری است که این راه را امتحان کنیم.» رهبر حزب کارگران سوسیالیست انقلابی، شنول کاراکاش، هم در مصاحبه‌ای که با او داشتم به اهمیت ارتباط برقرار کردن با بخش محافظه‌کار اشاره کرد.<sup>۱۲</sup> کاراکاش بر این موضوع تأکید داشت که با «جهادگرا، داعشی و شریعت‌گرا» خواندن این محافظه‌کاران، که برخوردی سطحی، ساده و داغ‌ننگی دشمن‌تراشانه است، همان‌طور که بعضی از فعالین حزبی چپ این کار را کرده‌اند، نمی‌توان با آن بخش‌ها ارتباط برقرار کرد.

## ارزیابی شرایط منتهی به کودتا

هنوز دلایل، عاملان و مسئولان کودتا کاملاً مشخص نیستند و بنابراین درباره‌ی این موضوعات هم‌چنان بحث و جدل جریان دارد. احزاب چپ به‌طور کلی از این ایده طرفداری می‌کنند که عامل اصلی کودتا شرایط جنگی در

ترکیه و منطقه، و نحوه‌ی مداخله‌ی اردوغان و حزب عدالت و توسعه در منطقه‌ی جنوب شرقی و جنگ سوریه است. علاوه بر این، همکاری با جماعت گولن در چارچوب دولت که پیش از این انجام گرفته و بی‌اعتبار شدن این اتفاق نیز به‌عنوان دلیل کودتا تلقی می‌شود. از این رو، جنگ در منطقه و خاورمیانه، نفوذ حکومت و نیروهای امپریالیستی و نیز نبرد و تنازع بر سر قدرت در بین نخبگان حکومت به‌عنوان دلایل اصلی کودتا شمرده می‌شوند. به‌عنوان مثال، رهبر حزب آزادی و همبستگی، آلپر تاش، در مصاحبه‌ای پیرامون کودتا چنین ارزیابی می‌کند که «کودتا در نهایت منازعه‌ای است که سهم‌بری در قدرت موجب آن شده. منازعه بر سر این که فتح‌الله گولن خلیفه‌ی ترکیه خواهد شد یا اردوغان. بعد از قلع و قمع تمام مخالفین، مبارزه‌ی قدرت در بین دو نیرو موجب تغذیه‌ی تحولی شد که عرصه را برای کودتای ۱۵ ژوئیه فراهم کرد.»<sup>۱۳</sup>

در مورد نیروهای پنهان در پشت کودتا در حالی که بعضی از احزاب چپ به شکل مستقیم‌تری نقش امپریالیسم را در نظر می‌گیرند احتمال وجود روابط و ترجیحات پیچیده‌تری را نیز عنوان می‌کنند. برای مثال، حزب آزادی و همبستگی، معتقد است که نیروهای امپریالیستی تا حدودی به اردوغان و تا حدی به فتح‌الله گولن کمک کرده‌اند و در نتیجه رابطه‌ی امپریالیسم با کودتا چند بُعدی است. رهبر این حزب، آلپر تاش، به این موضوع اشاره می‌کند که نقطه‌ی تمرکز کودتا یعنی پدیده‌ی «جماعت» وابسته به گولن، ساختاری است که در دوره‌ی جنگ سرد از جانب امپریالیسم برای مقابله با سوسیالیسم سازمان‌دهی شده است. تاش، عنوان می‌کند که پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، رقابت بین دو جریان اسلام سیاسی که در مقابل چپ قدرت یافته بودند راه را برای کودتا فراهم کرد. کمال اکویان، رهبر حزب کمونیست ترکیه، با آلپر تاش هم‌عقیده است و می‌گوید بخش عظیمی از سازمان‌های «دینی» در ترکیه زمانی که در سراسر جهان مبارزه علیه سوسیالیسم و کمونیسم به شدت رواج داشت شکل گرفته‌اند.<sup>۱۴</sup> اکویان به این موضوع می‌پردازد که جنبش فتح‌الله گولن در چند سال اخیر تبدیل به یک قدرت جدی شده است. از نظر اکویان، ایالات متحد و انگلستان از این جنبش حمایت می‌کنند.<sup>۱۵</sup>

رابطه‌ی کودتا با امپریالیسم پیش از اقدام به کودتای اخیر رابطه‌ای است که بسیار مورد اشاره قرار می‌گیرد. با این حال، در بین چپ‌ها رابطه‌ی بین آخرین اقدام به کودتا با کشورهای امپریالیستی مورد بحث قرار گرفت اما به اتفاق نظر منجر نشد. به زعم آلپر تاش، تحلیل اتفاقات موجود، مستقل از سرمایه‌ی بین‌المللی کار درستی نیست با این حال «گفتن این هم که امپریالیسم آمریکا به‌تنهایی طراح اقدام به کودتا بوده نیز ناممکن است». از نظر تاش، اگر کودتاچیان پیروز می‌شدند ایالات متحد از آن‌ها حمایت می‌کرد. همین نظر را آیدین چوبوک‌چو از حزب کار نیز تصدیق می‌کند. چوبوک‌چو معتقد است که سازماندهی کودتا کار ناتو (NATO) نبوده و ناتو

به‌شخصه در آن نقشی نداشته است. حتی از نظر چوبوک‌چو، اگر ایالات متحد یا ناتو به‌شخصه در کودتا نقش داشتند کودتا پیروز می‌شد.

حزب کمونیست ترکیه انشعاب ۱۹۲۰ نیز از ابتدای امر کودتا را به‌عنوان «کودتای آشفته‌ی دست‌نشانده‌ی ناتو» ارزیابی می‌کرد. از نظر این حزب، "این «کودتای آشفته» حرکتی دست‌نشانده‌ی آمریکا-ناتو است که با هدایت آمریکا و همکاری سازمان دینی فتح‌الله گولن انجام شده است". این حزب اقدام به کودتا را «حمله‌ای مسلحانه به ترکیه در چارچوب پروژه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ امپریالیسم» ارزیابی کرده است.<sup>۱۶</sup> این حزب که پس از کودتا ادعا کرد که اعلام وضعیت فوق‌العاده به رئیس‌جمهور قدرت‌های «دیکتاتورمآبانه» داده است، در عین حال شعار «نه کودتا نه خودکامگی» بخش بزرگی از چپ‌ها را به‌عنوان شعار که «از هدف خود منحرف شده» قلمداد کرده است. از منظر این حزب، وظیفه‌ی پس از کودتا «بی‌تأثیر کردن کودتاچیان و امپریالیسم آمریکا بود که آن‌ها را به میدان کشانده بود». دشمن اصلی امپریالیسم است. خطر خودکامگی غیرنظامی یا مدنی هم مدت‌هاست که وجود دارد.

همان‌طور که مشخص است در بین چپ این موضوع که چه کسانی پشت کودتا بوده‌اند، به‌ویژه پیرامون ارتباط آن‌ها با نیروهای امپریالیستی اندیشه‌های متفاوتی مطرح می‌شود. حتی بعضاً این مسأله که در ترکیه مشکل حکومت و دولت وجود دارد نیز مطرح شده است. این دیدگاه که نیروهای درون حکومت بر پایه‌ی مبارزه‌ی قدرت به حرکت درآمده و موجب ایجاد یک شکاف در حکومت شده‌اند دیدگاهی نیرومند است. برای مثال، رهبر حزب کمونیست ترکیه، اوکیان، با یادآوری این‌که پیش از اقدام به کودتا اردوغان هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی دچار مشکلات عدیده‌ای بود با این ایده موافق نیست که کودتا به نوعی با «واکنش دولت» از پا درآمده است. به زعم اوکیان، «تصویری که در روز کودتا و پس از آن شاهدش بودیم نه نشان‌گر خرد دولت بلکه حاکی از فروپاشی آن است». از دیگر سو، به عقیده‌ی اوکیان، از آن‌جایی که ترکیه یک کشور سرمایه‌داری جدی و عضوی از ناتو است در نتیجه امکان ندارد که در بلندمدت در چنین وضعی باقی بماند. کشور «با یا بدون اردوغان» باید به راه خود ادامه دهد. در حالی که بین احزاب چپ در مورد ارزیابی نخبگان و پدیده‌ی امپریالیسم بعضی تفاوت‌های مفهومی و اختلاف‌نظرها وجود دارد اما درباره‌ی یک چیز اتفاق نظر دارند، این‌که بین نیروهای امپریالیستی و جماعت مورد حمایت آن‌ها و حزبی دینی یک نبرد قدرت وجود دارد که از روابط و توازن‌های بین‌المللی مجزا نیست و هم‌چنین عرصه را برای کودتا فراهم کرده است.

## سیاست پس از کودتا: آیا کودتا یک گسست است؟

احزاب چپ هم‌زمان با وضعیت فوق‌العاده از خطر نظام ریاستی نیز سخن می‌گفتند. پس از اعلام وضعیت فوق‌العاده، احزاب چپ به مواردی مثل تبدیل کودتای نظامی به «کودتایی غیرنظامی/مدنی»، تجمیع اختیارات در مقام ریاست جمهوری و تأسیس یک نظام در واقع ریاستی اشاره کرده بودند. خطر حکومت «تک‌نفره» در کشور موضوعی بود که پس از کودتا بارها از جانب احزاب چپ مطرح شده بود. در نهایت نیز برای تغییر قانون اساسی با حمایت حزب حرکت ملی همه‌پرسی برگزار شد.

سازمان‌ها، جنبش‌ها و احزاب چپ در دوره‌ی مباحث همه‌پرسی که مربوط به نظام ریاستی «تک‌نفره» و افزایش اختیارات اجرایی رئیس‌جمهور می‌شد در برابر اختیارات فزونی‌یافته به منظور این‌که بتوانند به صورت جمعی مبارزه کنند از مفاهیمی مثل «جبهه‌ی دموکراسی» استفاده و راه مبارزه‌ی مشترک را برگزیدند. طی این روند حزب جمهوری خلق و دموکراتیک خلق‌ها نیز به یکدیگر نزدیک و همراه با احزاب سوسیالیستی در همه‌پرسی بر حسب اصولی مشترک متفق شدند. با این حال تمام جنبش‌های سوسیالیستی در این اتفاق مشارکت نکردند. به‌طور مشخص احزاب چپی که در مورد راه‌حل مسأله‌ی کُرد و دیدگاه‌شان حول جنگ در خاورمیانه از یکدیگر تمایز می‌یافتند در طول همه‌پرسی عمدتاً به صورت مستقل و جدا و گاهی هم به صورت مشترک برای کمک به افزایش رأی «کارزار نه» فعالیت می‌کردند. تمام احزاب رادیکال چپ و سوسیالیست، همانند حزب جمهوری خلق و دموکراتیک خلق‌ها، به شکلی متفاوت از همه‌پرسی‌های گذشته اعلام کردند که رأی‌شان در همه‌پرسی «نه» خواهد بود.

در واقع همان‌طور که احزاب سوسیالیست بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند به سبب خطر محافظه‌کار شدن و حکومت تک‌نفره فرآیند همه‌پرسی از منظر احزاب چپ به مبارزه برای بقا تبدیل شد. در حالی که پس از همه‌پرسی آرای «آری» با اختلاف کمی پیروز شدند اما تمام احزاب چپ مدعی ناسالم بودن همه‌پرسی و بنابراین عدم وجود مشروعیت آن شدند.<sup>۱۷</sup> از زمان کودتا به بعد، در حالی که احزاب چپ، سندیکاها، سازمان‌های شغلی و بنیادهای مدنی در برابر حکومت «تک‌نفره» برای دموکراسی فراخوان مبارزه‌ی مشترک داده‌اند آشکار است که چنین اتفاق و اتحادی شکل نگرفته است. سیستم موجود مدت‌هاست که با مفاهیمی مثل «فاشیسم» توصیف می‌شود. در حالی که تقریباً یک سال از کودتا می‌گذرد مشکلات موجود در نظام عدالت،



تداوم اخراج‌ها و منفصل کردن از خدمت و بازداشت‌های ناعادلانه منجر به قوت گرفتن ایده‌ی تعمیق تدریجی بحران شده است. این‌که آیا چپ به نحو درخوری نسبت به این بحران واکنش نشان می‌دهد یا نه در دوره‌ی پیش رو مشخص خواهد شد.

## یادداشت‌ها

۱. در این مقاله علاوه بر منابع نوشتاری از مصاحبه‌ی شفاهی با برخی رهبران احزاب سوسیالیست و یا نمایندگان آن‌ها استفاده شده است. از رهبران احزاب به خاطر قبول مصاحبه و بیان نظراتشان سپاسگزارم.
۲. اولوس، «موضع چپ در برابر کودتای ۱۵ ژوئیه و مباحث آن»، مجله‌ی بیریکیم، شماره ۳۳۰، ص. ۶۶-۷۵. حزب کارگران سوسیالیست انقلابی (DSİP) و حزب کمونیست ترکیه انشعاب ۱۹۲۰ (TKP 1920) این گفتار را به کار نبردند.
۳. اولوس، مصاحبه با آلپر تاش.
۴. در گردهمایی آنکارا گروه‌های ذیل مشارکت داشتند: کنفدراسیون سندیکاهای کارکنان بخش عمومی (KESK)، کنفدراسیون سندیکاهای کارگران انقلابی (DİSK)، اتحاد اتاق‌های مهندسان و معماران ترکیه (TMMOB)، اتحاد پزشکان ترکیه (TTB)، رئیس مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها، فیگن یوکسکداغ و مقامات اجرایی این حزب، رئیس مشترک حزب آزادی و همبستگی (ÖDP)، آلپر تاش، رئیس حزب کار (EMEP)، سلما گورکان، حزب حرکت کارگران (EHP)، حزب مناطق دموکراتیک (DBP)، حزب انقلابی (DP)، حزب سوسیالیستی محرومان (ESP)، حزب سوسیالیستی رهایی دوباره (SYKP)، حزب کمونیست خلق ترکیه، حزب سبزه‌ها و آینده‌ی چپ (YSGP). نمایندگان این احزاب سیاسی در گردهمایی آنکارا حضور داشتند. نمایندگان جنبش‌های اجتماعی دارای پایگاه گسترده از جمله کنگره‌ی دموکراتیک خلق‌ها (HDK)، جنبش هزیران (Haziran) و جنبش خانه‌های خلق (Halkevleri)، انجمن حقوق بشر (İHD)، بنیاد حقوق بشر ترکیه (THİV)، فدراسیون علوی‌های بکتاشی که به‌عنوان سازمان مادر جامعه‌ی علویان شناخته می‌شود، بنیاد حاجی بکتاش ولی، انجمن‌های فرهنگی پیر سلطان

آبدال و انجمن‌های علویان دموکراتیک نیز مشارکت داشتند. در سالنی که پلاکارد «نه کودتای نظامی، نه کودتای غیرنظامی، نه وضعیت فوق‌العاده، دموکراسی فوری» به نمایش گذاشته شد، بیانیه‌ی مشترک را رئیس کنفدراسیون سندیکاهای کارگران انقلابی، کانی بکو، قرائت کرد.

۵. برای ارزیابی این مباحث بنگرید به اولوس، همان.

۶. این موضوع را تمام رؤسا و نمایندگان احزاب بیان کردند.

۷. به جز حزب کارگران سوسیالیست انقلابی (DSİP) با تمام افرادی که از احزاب ملاقات داشتم در این موضوع هم‌فکر بودند و در نتیجه نیازی به ذکر نام‌شان نیست. حزب کارگران سوسیالیست انقلابی نسبتاً حزب کوچکی است و به سرعت پس از دریافت خبر کودتا، رئیس مشترک این حزب، شنول کاراکاش، عنوان کرده که به محض مشاهده‌ی واکنش مردم به صف آن‌ها پیوسته و از طریق رسانه‌های مجازی به سایر هم‌حزبی‌های خود خبر داده و آن‌ها را به مقاومت فراخوانده است.

۸. حزب آزادی و همبستگی (ÖDP)، حزب کار (EMEP) و حزب کمونیست ترکیه (TKP) به این موضوع اشاره داشتند.

۹. این موضوع را به‌ویژه رئیس حزب آزادی و همبستگی (ÖDP)، آلپر تاش، بیان کرد. وی اظهار می‌کند که «شب کودتا این‌طور هم نبود که به خیابان نرویم، جایی بودیم که ضرورت داشت باشیم و وظیفه‌مان را انجام دادیم». وی خاطرنشان می‌کند که اگر آن شب فعالین حزبی چپ به سرعت در محلات علوی‌نشین مستقر نمی‌شدند احتمال داشت حملات نسبتاً محدودی که علیه علوی‌ها انجام شد گسترش یابند. تاش عنوان می‌کند که پس از کودتا در محلاتی که مشخصاً اعضای حزب آزادی و همبستگی سکونت دارند افراد چندین روز در برابر حملات به صورت نوبتی کشیک می‌دادند.

۱۰. شنول کاراکاش که برای مهار کودتا همراه با مردم بود به این موضوع اشاره می‌کند.

۱۱. اولوس، مصاحبه با آیدمیر گولر، لونت توزل و آلپر تاش.

۱۲. اولوس، مصاحبه با کاراکاش.

۱۳. «اقدام به کودتا و مسیر ممکن آن از منظر چپ: اردوغان به اندازه‌ای که می‌پنداشت قدرتمند ظاهر

نشد»، (<http://www.sputnik.news>) تاریخ دسترسی: 22.07.2016.

۱۴. همان.

۱۵. همان.

۱۶. «حزب کمونیست ترکیه در مورد اقدام به کودتا چه گفت؟»، ([www.odatv.net](http://www.odatv.net))، تاریخ دسترسی:

14.06.2016

۱۷. برای مثال بنگرید به «بیانیه‌ی حزب آزادی و همبستگی و بلوک صلح در رابطه با نتیجه‌ی رفتارندوم:

«نتایج مشروع نیستند»، ۱۷ آوریل ۲۰۱۷، ([www.demokrathaber.org](http://www.demokrathaber.org))؛ حزب کمونیست ترکیه،

«مشروعیتی برای دولت باقی نمانده است»، ([www.haber.sol.org.tr](http://www.haber.sol.org.tr)).

\*منبع:

\*Mutlu Ulus, Özgür (2017) “15 Temmuz darbe girişimi ve sol siyaset”, Birikim, 339: 84-89.

\*ازگر موتلو اولوس دارای دکترا از دانشگاه لایدن هلند است. عنوان تز دکترای وی «ارتش و چپ رادیکال در

ترکیه (۱۹۷۱-۱۹۶۰): کودتاهای نظامی، انقلاب سوسیالیستی و کمالیسم» است. ترجمه‌ی فصل دوم کتاب

مذکور به قلم همین مترجم در سایت پراکسیس موجود است.